

14 دلیل کتاب مقدسی برای تعلیم دادن و رهبری کردن خواهران در خداوند

این موضوع همچنان داغ و پربحث است. دیدگاهی که می‌گوید زنان در کلیسا نباید تعلیم دهند و نباید رهبری کنند و این کار تنها به مردان اختصاص دارد، «مکمل‌گرایی» نامیده می‌شود. در برابر آن، به اصطلاح «برابری‌گرایی» قرار دارد که هر دو کار را برای زنان نیز روا می‌داند، بی‌آنکه بر اساس جنسیت تفاوت یا محدودیتی قائل شود. هر دو اصطلاح در دهه 90 در جریان انجیلی ایالات متحده ساخته شدند. منظور از اصطلاح «مکمل‌گرایی»¹ در واقع مکمل بودن متقابل مرد و زن است، اما مکملی آشکارا سلسله‌مراتبی: زن در یک به اصطلاح نظم آفرینش زیر دست مرد قرار دارد. مرد رهبری می‌کند، زن پیروی می‌کند. حال آنکه در اصل تنها چیزی می‌تواند مکمل باشد که هم‌اندازه، هم‌ارزش، هم‌توان یا هم‌سرشت باشد. مرد و زن (و همسرش) از نظر ذات دقیقاً همین‌اند – اما در تفاوت مرد بودن و زن بودنشان.

برابری‌گرایی نیز در اصطلاح خود به همان اندازه روشن نیست. این دیدگاه مرد و زن را دارای حقوق برابر و مأمور به رهبری و تعلیم می‌داند. اما این دیدگاه، چنان‌که اصطلاحش القا می‌کند، دو جنس را «یکسان» یا بی‌تفاوت نمی‌سازد. این دیدگاه دوم نیز مرد و زن را مکمل یکدیگر می‌بیند، که برای یکدیگر آفریده شده‌اند تا در تفاوتشان یار و پشتیبان هم باشند.

ما دیدگاهی داریم که شاید بهترین نام برای آن «مکمل‌گرایی برابری‌گرا» باشد: مرد و زن با حقوق برابر و بدون تفاوت در سلسله‌مراتب یا اقتدار مکمل یکدیگرند. (HJR)

بسیاری از دوستان مکمل‌گرا – و آنان هنوز دوستاند و دوست خواهند ماند – آگاه نیستند که استدلال «کتاب مقدسی» برای اقتدار مرد در واقع دیگر به‌طور قانع‌کننده قابل اثبات نیست. باقی ماندن آن حاصل دانش‌پژوهی مشکوک، منطق ناقص و قدرت نهادها و شخصیت‌هایی است که ساختاری انسانی را سر پا نگه می‌دارند که هیچ پشتوانه کتاب مقدسی و الهی ندارد. پس چه چیزی این جسد را سر پا نگه می‌دارد؟ احساسی از تفکر قبیله‌ای یا گروهی سرسخت که (دست‌کم فعلاً) هنوز بر حقیقت چیره است.

بسیاری از کسانی که می‌خواهند با صداقت و خداترسی زندگی کنند، به پیروی از الاهیاتی نادرست کشانده شده‌اند و باور کرده‌اند که زنان در رهبری نشانه پیروزی فرهنگ دنیوی بر کتاب مقدس‌اند. اما به داده‌های کتاب مقدسی زیر توجه کنید:

1. هرچند آدم و حوا متفاوت آفریده شدند، حوا همچون همتایی برای آدم آفریده شد که از نظر کارکرد هم‌ارز اوست، نه زیردست او. مکمل بودن، آری. سلسله‌مراتب، نه. ([here](#) – پیوندی برای مطالعه بیشتر، به زبان انگلیسی، مانند پیوندهای بعدی)

2. این فرض که مردان باید فرمانروایی کنند، پس از سقوط پدید آمد. نه آفرینش، بلکه نافرمانی نخستین انسان‌ها بود که فرمانروایی مرد بر زن را در پی آورد (پیدایش 3:16). ([Not convinced? Click here](#)). این باید ما را وادارد که درنگ کنیم، پیش از آنکه آیه‌های بعدی کتاب مقدس را چنان تفسیر کنیم که گویی خدا اقتدار مرد را آرمانی جلوه می‌دهد.

3. خدا دבורه را به عالی‌ترین رهبر مدنی و روحانی قوم خدا در زمان او برگماشت، آن هم به گونه‌ای که او به عالی‌ترین فرمانده نظامی، باراق، فرمان می‌داد (داوران 4 و 5). این واقعیت بر تفسیر مکمل‌گرایانه

از اول تیموتائوس 2:12 سایه می‌افکند. [here](#)

4. عیسی راهگشای ارج نهادن به زنان در ارزش و خدمتشان بود. به‌ویژه به دیدار عیسی با مریم مجدلیه و مأموریتی که در نخستین روز عید قیام به او داد توجه کنید. شگفت آنکه عیسی در مهم‌ترین روز تاریخ درسی برای انسان‌ها گنجاند: به کلام خدا از دهان خواهرانتان اعتماد کنید (یوحنا 18:20-20:17). [here](#) and [here](#)) و نه، عیسی دوازده رسول مرد را بر پایه «اصل آفرینش» یا «نظم آفرینش» برنگزید. او این کار را به دلایل نمادین و در پیوند با مرحله‌ای گذرا از تاریخ نجات انجام داد. (This is [certain](#))

5. اول تیموتائوس 3 و تیتوس 1، تنها بخش‌هایی که به شرایط مشایخ می‌پردازند، اگر درست تفسیر شوند، امکان اینکه زنان از مشایخ باشند را باز می‌گذارند؛ واقعیتی که اکنون مکمل‌گرایان برجسته نیز به آن اعتراف می‌کنند. [here](#) غلاطیان 3:28 («در مسیح نه ... هست و نه ...») هرچند پاسخ یا دلیلی آماده برای همه چیز نیست، دست‌کم باید ما را به درنگ وادارد، هنگامی که گمان می‌کنیم خدا در جای دیگری از کتاب مقدس صریحاً زنان (یا بردگان یا غیریهودیان) را از رهبری یا تعلیم منع می‌کند.

6. هرچند در عهد جدید هیچ رهبر کلیسا یا یکی از مشایخ را با نام نداریم، نه زن و نه مرد (جز شاید پطرس)، شواهدی هست که زنان کلیساها را رهبری می‌کردند و در آنها تعلیم می‌دادند. پریسکیلا تقریباً به‌یقین رهبر و معلمی در کلیسای افسس بود، و احتمالاً در کلیساهای دیگر نیز. [Click here to read why or watch this video](#). این با تفسیر مکمل‌گرایانه از اول تیموتائوس 2:12 در تضاد است، همچنان‌که فرمان عیسی که شاگردانش (مردان و زنان) باید همه مردم را تعلیم دهند (متی 28:19-20). پس شگفت نیست که در یکی از کلیساهایی که پریسکیلا در آن خدمت می‌کرد، مردان و زنان «تعلیمی» می‌آوردند (اول قرنتیان 14:26) و خدا پریسکیلا را در کلیسای بعدی‌اش به کار گرفت تا یکی از معلمان بزرگ آینده کلیسا، اپلس، را تعلیم دهد (اعمال رسولان 18:26).

7. نه تنها پریسکیلا، بلکه زنان دیگری نیز که صاحب یا سرپرست خانه خود بودند، در خانه‌هایشان کلیسا بنیان نهادند یا کلیسا در آنجا گرد می‌آمد، و از برخی از آنان در عهد جدید نام برده شده است. این نشان می‌دهد که احتمالاً آنان نیز نامزد رهبری این کلیساها بودند. [Not convinced? See this](#)

8. پریسکیلا تنها معلم زنی نبود که از او نام برده شده است. به احتمال بسیار زیاد پولس فیبی را مأمور کرد که نامه به رومیان را برای کلیسای گردآمده در روم شرح دهد؛ نامه‌ای که او به‌عنوان «نامه‌رسان» پولس از قرنتس به روم آورده بود (رومیان 16:1-2). [Click here for the evidence](#).

9. به رغم استدلال‌های وین گرودم (Wayne Grudem) مبنی بر اینکه چنین نبود، زنان نبی در کلیسای عهد جدید نوعی تعلیم در جماعت گردآمده انجام می‌دادند (اول قرنتیان 14:26). [here](#) (at 1 hr 7 min onwards).

10. زنی بود که نقشی حتی تأثیرگذارتر از یک رهبر یا معلم داشت. **بسیار محتمل است که یونیا، که یک زن بود، رسولی برجسته بود، همچون برنابا و سیلاس (رومیان 16:7).** این نیز با تفسیر مکمل‌گرایانه از اول تیموتائوس 2:12 در تضاد است. [Click here](#) to find out why and to get the facts.

11. **متن‌های مورد مناقشه پولس، اگر درست فهمیده شوند، هیچ‌یک از آنچه تا کنون گفته شد را سست نمی‌کنند.** اول قرنتیان 16:11-11:2 و 35-14:34، اگر درست تفسیر شوند، ممنوعیتی کلی برای رهبری زنان

در همه کلیساها نیستند. این بخش‌ها هر قدر هم مورد مناقشه باشند، شواهد در این باره روشن است. Click [here](#) for a deeper dive into 1Cor 11 and [here](#) for the same relating to 1Cor 14.

12. اول تیموتائوس 2:12-14 شاید در نگاه نخست، به‌ویژه در برخی ترجمه‌ها، چنین بنماید که اقتدار مرد به‌طور کلی تثبیت شده است؛ اما بررسی دقیق‌تر واژه «تسلط یافتن»، به یونانی **authentein** (در «به زن اجازه نمی‌دهم که ... بر مرد **authentein** کند»)، و نیز بافت ادبی و بافت موقعیتی (چنان‌که در اول تیموتائوس) نشان می‌دهد که چرا این تفسیری نادرست است. بافت کل کتاب مقدس نیز باید در نظر گرفته شود: به‌ویژه رهبران و معلمان زن بسیاری که در کتاب مقدس هستند، با چنین خوانشی مخالف‌اند. (Or read) Here's an excerpt of my work on **authentein** from chapter 7 in my book. Or read Bartlett's Appendix summary critique on major complementarian studies of 1 Tim 2:12 ([here](#)).

13. نقش در ازدواج چه می‌شود؟ حتی اگر عهد جدید اقتدار مرد بر همسرش را تعلیم می‌داد، این به آن معنا نبود که رهبران و واعظان باید مرد باشند. **در اول قرنتیان 7، طولانی‌ترین بخش عهد جدید درباره ازدواج، روشن می‌شود که تسلیم متقابل و توافق، معیار تصمیم‌گیری در ازدواج است.** عجیب آنکه تقریباً هیچ‌کس از این آگاه نیست. [here](#) افسسیان 5 و اول پطرس 3، اگر درست تفسیر شوند، تسلیم متقابل در ازدواج را تعلیم می‌دهند، نه اقتدار یک‌جانبه شوهر را. (Check out Bartlett's and my critique of Winger on [Ephesians 5](#) and [1 Peter 3](#)).

14. نکته آخر و بسیار مهم: **وقتی سخن از بنای کلیساست، عطایا بر جنسیت برتری دارند.** برای پطرس، پنطیکاست آغاز دورانی تازه بود که در آن عطایای خدمت اعلام کلام به فراوانی به مردان و زنان بخشیده شد (اعمال رسولان 2:17-18). چه کسی می‌تواند شبانی کند، رهبری کند یا تعلیم دهد؟ نمونه‌های کتاب مقدسی رهبران و واعظان زن را به بهترین شکل می‌توان با رهنمود پولس توضیح داد که عطایا (و نیز منشی مسیح‌گونه که با آنها همراه باشد)، صرف‌نظر از جنسیت، پایه خدمت در کلیسا هستند. به گفته این رسول، کسانی که عطای موعظه، رهبری یا تعلیم دارند، باید همین کار را بکنند. [here](#) کوین دی‌یانگ (Kevin DeYoung) در مقاله‌اش در TGC می‌پرسد: «آیا تعلیم دادن به کودکان و زنان دیگر هدر دادن عطایای یک زن است؟» پولس به دی‌یانگ پاسخ می‌دهد (در اول قرنتیان 12:21-24) که این کار زنان باعطا را بی‌حرمت می‌کند و مردانی را که به خدمت آنان نیاز دارند محروم می‌سازد. **وقتی مردان خدمت رهبران و معلمان زن را تنها به این دلیل که زن‌اند رد می‌کنند، مانند این است که عضوی از بدن به عضوی دیگر بگوید: «به تو نیازی ندارم.»**

به این نتیجه می‌رسیم: مردان و زنان، هرچند خدا آنان را متفاوت آفریده است، از نظر کارکرد برابرند. این ساخته فرهنگ نیست، بلکه ارزشی بنیادین در پادشاهی خداست، که بود، هست و خواهد آمد.

این ارزشی است که کار می‌کند – آن هم به شکلی شگفت‌انگیز. تیم‌های رهبری و موعظه‌ای که از هر دو جنس تشکیل شده‌اند، و همسرانی که تسلیم یکدیگرند، سالم‌تر و شادتر هستند. برعکس، تعلیم اقتدار مرد در کلیساها و ازدواج‌ها به برخی بحران‌های سلامت روحانی دامن زده و بسیاری از کلیساها و ازدواج‌ها را بی‌جهت آسیب رسانده است. این تعلیم همچنین زنان باعطا و دعوت‌شده را محدود کرده و شهادت کلیسا برای مسیح را سست ساخته است، به‌ویژه در فرهنگی که زنان را آزاد می‌گذارد تا عطایای خود را در همه عرصه‌های دیگر جامعه به کار گیرند.

پی‌نوشت: اگر وقت دارید چیز دیگری هم ببینید، این یک [video](#) است که در آن گروه بزرگی از کلیساهای Assemblies of God در کشورم، که پس از خواندن کتابم دیدگاه تعلیمی خود را درباره زنان در خدمت تازه کرده‌اند، با من مصاحبه می‌کنند. در واقع پس از مصاحبه این امتیاز را داشتم که ببینم آنان برای نخستین بار به‌طور علنی زنان بسیاری را به‌عنوان رهبر منصوب کردند.

برگرفته از ترن ویلیامز (Terran Williams)، ترجمه آلمانی همراه با ویرایش و افزوده‌ها با اجازه لطف‌آمیز او،
Hans-Jörg Ronsdorf، 22 مارس 2023

مکمل‌گرایی اغلب تنها به این دلیل کار می‌کند که زنان از آن پشتیبانی می‌کنند. اگر همه ما از پشتیبانی آن دست بکشیم، چه خواهد شد؟

www.frauen-vergebt-uns.de

پی‌نوشت‌ها

1. مکمل بودن (Komplementarität) اصطلاحی در معرفت‌شناسی است برای دو شیوه توصیف یا دو چیدمان آزمایشی که (ظاهراً) با هم در تناقض‌اند، یکدیگر را نفی می‌کنند و به یکدیگر فروکاستنی نیستند، اما در مکمل بودن متقابلشان برای فهم یک پدیده یا یک امر در کلیت آن ضروری‌اند.
مکمل چیست؟ مکمل (Komplement)؛ به لاتین complementum = «تکمیل»، «کامل کردن [وسیله کامل کردن]» به‌طور کلی بر چیزی دلالت دارد که تکمیل‌کننده چیز دیگری است.
پرکاربردترین مترادف‌ها برای «مکمل» (komplementär) این‌هاست: تکمیل‌کننده، متقابل، دوسویه.